

## تحلیلی پیرامون حوادث اخیر دانشگاه

درگیری و حادثه‌ای که چندی قبل در مراسم سخنرانی آقای عبدالکریم سروش در دانشکده فنی دانشگاه تهران اتفاق افتاد بازتاب وسیعی در محافل علمی - فرهنگی و سیاسی - اجتماعی کشور پدید آورد و موضع‌گیری و اظهارنظر برخی از نشریات و شخصیت‌ها را به دنبال داشت. یک طرف این جریان انجمن اسلامی دانشجویان، با سابقه طرفداری از حاکمیت، به عنوان برپاکننده مراسم و طرف دیگر گروه نوپیدای «انصار حزب‌الله» به عنوان مدعی و برهم‌زننده مراسم قرار داشتند. به این ترتیب پس از سال‌ها سکوت و آرامش، بار دیگر صحنه دانشگاه شاهد صف‌آرایی جریان‌ات سیاسی، مناظره و مشاجره، توزیع اعلامیه و تجمع دانشجویان گشت.

این واقعه، نه تازگی داشته و نه اولین آن، حتی برای سخنران، محسوب می‌شد. در طول ۱۶ سال اخیر تقریباً هیچ یک از گروه‌های سیاسی مخالف یا منتقد به عملکرد حاکمیت، شخصیت‌ها و صاحبان اندیشه مستقل از افکار سنتی حاکم، مصون از تعرض و تهاجم گروه‌های فشار نبوده‌اند. از جمله نهضت آزادی ایران در سالیان گذشته به کرات در مراسم و اجتماعات خود مورد تهاجم گروه‌های غیرمسئول و قربانی خودسری‌ها و تجاوزات آنان به حقوق و آزادی‌های قانونی بوده است.

از این جهت نیز که یکی از ارکان و اعضای برجسته شورای انقلاب فرهنگی در بدو تأسیس آن، یک استاد دانشگاه و مدرس برای طلاب و دانشجویان، و شخصی که از اندیشه او در مناظره با رهبران جریان‌ات چپ مدد گرفته شده و سخنرانی‌هایش سال‌ها در سیمای جمهوری اسلامی پخش می‌شده است مورد تعرض و تهاجم واقع گردیده تازگی ندارد، مقامات و مسئولان در رده‌های بالاتر از ایشان نیز مزه این بی‌مهری‌ها و موارت‌ها را حتی تلخ‌تر و غلیظ‌تر به کرات چشیده‌اند. تا جایی که به نظر می‌رسد قبح این اعمال از بین رفته دولت و مردم با این وضع خو گرفته‌اند.

اگر چنین حادثه‌ای آخرین آن از نوع خود بود می‌توانستیم آن را ندیده بگیریم اما می‌دانیم که «هر دم از این باغ بری می‌رسد» و علی‌رغم آنکه ادعا می‌شود باید حاکمیت را یکدست کرد! وضعیت موجود نه تنها به یکی شدن منتهی نمی‌گردد که مستمراً بر تفرقه و تشتت و تضاد و تقابل دستها افزوده می‌گردد. اگر مصلحت‌اندیش و مآل‌نگر بوده لاقلاً منافع و بقای آینده خود را هم در نظر داشته باشند باید وقت آن رسیده باشد که به ارزیابی آثار و عوارض و چاره‌جویی و درمان چنین بیماری و آفتی پرداخته شود.

از آنجا که این قضیه ابعاد گوناگون و مخاطبان متعددی دارد و گروه‌ها و نیروهای مختلفی را دربرمی‌گیرد، ما در این بیانیه هر یک را جداگانه مورد خطاب قرار داده، نظراتمان را درباره آنچه به هر یک مربوط می‌شود مستقلاً مطرح می‌سازیم.

### الف - حاکمان

در اینکه در هر زمانی و در هر نسل و نظامی گروه‌هایی پدید آمده و می‌آیند که با تعصب و تنگ‌نظری به مصداق «الناس اعداء ما جهلوا» با هر اندیشه و عملی که مغایر عواطف و افکار شکل گرفته موروثی آنان باشد مخالفت و مقابله می‌کنند و دشمنی و عداوت می‌ورزند تردیدی نداریم و از تداوم چنین جریان‌ی در جامعه خود زیاد تعجب نمی‌کنیم. اعتراضی هم نمی‌توان کرد زیرا آنها در حد عقل و فهم و دامنه درکشان از

تقلید و تعقل عمل می‌کنند. روی سخن ما با مقامات مملکتی و کسانی است که مسئولیت شرعی و قانونی حفظ امنیت جامعه و تأمین آزادی و عدالت را برای عموم بر عهده دارند، سکوت و بی‌تفاوتی آنان را در برابر جریاناتی که مردم کوچه و بازار از آن آگاهند تجاهل‌العارف غیرقابل توجیهی است. آیا نمی‌دانند خداوند از جمله خصالی که برای مؤمنین شمرده ایفای فریضه امر به معروف و نهی از منکر، حتی پس از رسیدن به امکانات و قدرت می‌باشد.<sup>۱</sup> اگر انتقاد و اعتراض در دوران ضعف و ذلت علیه قدرتمندان عوارضی دارد، موضع‌گیری علیه حامیان و هواداران و مقابله با مواضع ناحق و ستمگرانه آنان خطر از دست دادن طرفداران و پیاده شدن از موج احساسات عوام را به همراه دارد و این همان آفت عوام‌زدگی است که شهید مطهری بر شجره روحانیت نشان داده بود. گناه عظیم علمای دین به نص قرآن مجید «کتمان ما انزل الله» از ترس عوام و طمع مقامات و منافع دنیایی است. آیا در کتاب خدا کسانی که با آشوب و اغتشاش ایجاد ناامنی و فساد در زمین می‌کنند از مصادیق مسلم «محارب» نیستند؟ و اگر هستند چه پاسخی نزد پروردگار برای سکوت جانبدارانه‌تان از چنین کسانی دارید؟ آیا این هشدار الهی را نشنیده‌اید که «باید برپا دارنده عدالت و شاهد و نمونه‌ای برای راه خدا باشید هر چند علیه خود یا نزدیک‌ترین نزدیکانتان» (از جمله حامیان و هواداران‌تان) باشد! شما که ولایت‌تان را تداوم ولایت امامان (علیهم السلام) می‌نامید آیا نشنیده‌اید که امام اول این مکتب در دوران خلافت، فرمانروای بصره «ابن عباس» را علی‌رغم آنکه پسر عم و همفکر او بود به دلیل بدرفتاری با طرفداران طلحه و زبیر، که از مخالفان سیاسی آن حضرت و اهل براندازی حکومت بودند، شدیداً مورد مؤاخذه قرار داد که چرا با خشونت و تحقیر و توهین با آنها رفتار کرده و القاب و برچسبهای ناپسندی نثار آنان کرده است و برای خاموش کردن شعله این دشمنیها و تعصبهای گروهی ارزشهای مثبت و محاسن این قوم را، که حتی قیام مسلحانه هم علیه او به راه انداخته بودند، برای فرماندار خود و پیروانش بازگو کرده باشد؟<sup>۲</sup>

نه تنها درباره مسلمانان بلکه در مورد رفتار امیرالمؤمنین با مشرکین و دگراندیشان اعتقادی نیز حتماً خوانده‌اید که آن حضرت فرماندار دیگرش را به دلیل خشونت و سخت دلی با مشرکان و تحقیر و توهین به آنها مؤاخذه فرمود و از او خواست به مردمی که در پناه حکومت اسلامی بودند به دلیل عهد و پیمانی که با پرداخت جزیه (مالیات) داشتند خوش رفتاری و مدارا نماید.<sup>۳</sup>

آیا امنیتی را که مشرکان در زمان آن حضرت داشتند، مردم مسلمان دگراندیش در پناه حکومت شما نباید داشته باشند؟! او برای تأمین آزادی مخالفینش نزدیک‌ترین موافقان خود را توبیخ می‌نماید، اما مدعیان اسلام ناب محمدی (ص) با یک خطکشی ساده همه طرفداران خود را در همه اعمالشان بر حق و همه مخالفان را در همه موارد و مراتب باطل می‌بینند! آیا این است مرزبندی حق و باطل؟!<sup>۴</sup>

مگر پیامبر اکرم مکرر نمی‌فرمود «جامعه‌ای که در آن ضعیف و ناتوان نتواند حق خود را بدون لکنت زبان از قوی بستاند پاک به شمار نمی‌آید»<sup>۵</sup> آیا در سایه قانون و قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران

۱. سوره حج آیه ۴۱- الذین ان مکنهم فی الارض اقاموا الصلوه و اتوا الزکوه و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و لله عاقبه الامور.

۲. نساء ۳۵- یا ایها الذین امنوا کونوا قوامین بالقسط شهداء لله و لو علی انفسکم اوالوالدین والاقربین

۳. اگر باورندارید نامه شماره ۱۸ نهج البلاغه را با دقت بخوانید.

۴. نامه ۱۹ نهج البلاغه

۵. نهج البلاغه، عهدنامه مالک اشتر- لن تقدس امه لا یوخذ فیها الضعیف حقه من القوی غیر متعنت

می‌توان جرأت طرح دعوا علیه گروه‌های فشار را کرد و اگر نه برای تأمین چنین قداست و پاکی که جز با حاکمیت قانون عملی نمی‌شود چه فکری کرده‌اید؟

مگر قانون اساسی شخصیت، شغل، مسکن و ... افراد را مصون از تعرض نشناخته است، آیا تیغ قوه قضائیه فقط برای منتقدین به رفتارهای غیرقانونی تیز است یا در برابر تعرضات گروه‌های فشار و قانون شکنیهای آشکار آنها نیز کارگر می‌باشد؟

آیا مسئولین امور نمی‌دانند که همین گروه‌های افراطی و شاید هم به تحریک عناصر مشکوک ضدنظام، دکتر سروش را تهدید به مرگ و از خانواده‌اش سلب امنیت و آرامش نموده‌اند؟ مگر دولت مسئول امنیت نیست؟ مگر آقای رئیس‌جمهوری در پیشگاه خداوند به کلام‌الله مجید سوگند نخورده‌اند که حافظ قانون اساسی و نگهبان حقوق ملت باشند؟

### ب - گروه‌های فشار

می‌دانیم در بسیاری از شما غیرت دینی و حمیت پاسداری از ارزشهای مذهبی موجود است و این خشم و خشونت و حمله و حرکات را به عنوان فریضه دینی و اجرای احکام شرعی انجام می‌دهید و به همین دلیل هم علی‌رغم تعرضات مکررتان به حریم آزادیهای قانونی خود و ضرب و شتم و دشنام گویبهایتان نمی‌خواهیم به چشم دشمن به شما نگاه کنیم. اما شما که شعار یا علی و یا حسین سر می‌دهید، مسلماً رفتار حضرت علی با ضاربش ابن‌ملجم و رفتار کریمانه امام حسین با دشمنانش را هم شنیده‌اید. شما که برای امام حسین اشک می‌ریزید آیا دشنامی از زبان آن حضرت علیه دشمنانش شنیده‌اید؟

ادعای نیت خیر داشتن کافی نیست، بصیرت و بینایی و انصاف و عدالت هم لازم است و گرنه خوارج نهروان هم که نماز شب می‌خواندند و به‌زعم خودشان برای تقرب به خداوند به کشتن علی کشیده شدند باید مقبول و مشکور باشند، تبلیغ دین و تحکیم مبانی شرعی علاوه بر نیت، به نسخه‌ای حکیمانه نیاز دارد. این نسخه را پروردگار حکیم چنین تجویز کرده است:

مردم را به راه پروردگارت (نه افکار شخصی و گروهی خود) با حکمیت (نه شعار و تظاهرات) و با پند نیکو (نه دعوا و دشنام) دعوت (نه تهدید) کن. و با نیکوترین شیوه‌ها با آنان مجادله کن.<sup>۱</sup> همانا پروردگار تو خود بهتر می‌داند چه کسی گمراه شده و هم او به راه یافتگان آگاه‌تر است (خود را قاضی و مسئول هدایت و گمراهی ندانید).

همچنین:

با بهترین شیوه (فکر مخالف را) دفع کن، در این صورت خواهی دید دشمنی موجود تبدیل به دوستی گرم و صمیمی می‌گردد.<sup>۲</sup>

انصاف را، ای برادران شما در طول ۱۶ سال گذشته از انقلاب کدامین دشمنی را با شیوه‌هایی که به کار بسته‌اید تبدیل به دوستی و وحدت کرده‌اید؟ کدامین شخص یا گروه را جذب کرده‌اید؟ چه تألیف قلبی را سرمایه‌گذاری نموده‌اید؟ از کدام منکر اساسی (دزدیها، رشوه‌خواریهای کلان، سوءاستفاده‌های نجومی از بیت‌المال، حیف و میل اموال عمومی و ...) جلوگیری کرده‌اید؟...

قرآن از مردمی سخن می‌گوید که بدون علم و هدایت و کتاب منیر مجادله می‌کنند، به راستی شما با اتکاء به کدام علم جامعه‌شناسی و با توسل به کدام راهنمایی و هدایت تجربی و با استناد به کدام کتاب الهی

۱. نحل ۱۲۵

۲. فصلت ۲۴

چنین شیوه‌هایی را کارآمد و مؤثر و مرضی خدا می‌دانید!

شما بنا بر کدامین دلیل شرعی یا قانونی خود را متولی اعتقادات مردم می‌دانید و انتظار دارید آنها جز آنچه شما می‌بینید نبینند و راه رشدی جز راهی که شما نشان می‌دهید نجویند.

شما به چه مجوزی مانع برگزاری مراسمی شدید که در آن عده‌ای با دعوت از یک صاحب نظر مسلمان، آن هم در محیط آزاد و علمی دانشگاه، قصد داشتند با افکار او آشنا شوند؟ اگر او حقوق‌بگیر دانشگاه بود و افکار خود را به جای درس به دانشجویان تحمیل می‌کرد شاید دفاع از حقوق عامه محملی برای مداخله مسئولان پیدا می‌کرد ولی اجابت دعوت دانشجویان برای پاسخگویی به سؤالاتشان چه جرمی محسوب می‌شود و به کدامین دلیل دوران به اصطلاح (تک‌گویی) به سر آمده و فقط مناظره آن هم از نوع تحمیلی مجاز می‌باشد؟ مگر همه استادان مناظره می‌کنند و مگر در منابر و مساجد کشور اثری از مناظره دیده می‌شود و چنین شیوه‌ای مرسوم کسانی که شما از آنها تقلید می‌نمائید می‌باشد؟ شما نیز که با حمایت حکومتی دسترسی به همه رسانه‌های عمومی و خصوصی دارید و ید مبسوطه‌ای برای پاسخگویی هستید بگوئید و بنویسید تا مردم قضاوت کنند.

می‌دانیم شما جوش و خروش جوانی دارید و حریص هدایت مردم بر راهی هستید که درست می‌پندارید، حرص بر هدایت مردم صفتی پیامبرانه است، آن رسول دردمند و دلسوز سعادت مردم نیز از حزن و اندوه و تأسف بر گمراهی کافران جانش در معرض هلاکت قرار می‌گرفت. اما خداوند حکیم که اکراه و اجبار را در دین خود روا نمی‌دارد به کرات در قرآن کریمش آن پیامبر رحمت را به خونسردی و تحمل و مدارا با مخالفان دعوت کرده است، آیا شما می‌خواهید از خدا و رسول پیشی بگیرید و مشیت الهی برای اختیار و آزادی بندگان را نادیده انگارید؟

بندگان خدا محصولات کارخانه نیستند که یکسان قالب خورده باشند، به توصیه قرآن، به جای پرداختن به اختلافات و هدر دادن انرژیها، باید در میدان نیکبها و با سرعت و سبقت گرفتن در این زمینه‌ها برتری را کسب کرد، سر منزل این مسابقه بارگاه الهی است و هم او ما را از حق و باطل بودن در مواضع دنیایی‌مان آگاه خواهد کرد.

علاوه بر این ما از شما می‌پرسیم اعمالی نظیر آتش زدن کتابفروشی و برهم زدن جلسه سخنرانی و ضرب و شتم سخنران و شرکت‌کنندگان به نفع چه کسانی و چه سیاستهایی تمام شده است؟ آیا واقعاً فکر می‌کنید این نوع رفتارها آن هم در آستانه انتخابات مجلس به نفع حاکمیت و به نفع اعتبار نظام جمهوری اسلامی می‌باشد؟ آیا این نوع حرکتها منجر به تشویق مردم بی‌تفاوت به شرکت در انتخابات آینده خواهد شد؟ یا با تشدید آشفتگیها و با ایجاد ناامنی بر ترس و وحشت مردم افزوده خواهد شد و آنها را بیش از پیش بی‌تفاوت خواهد کرد؟

آیا در چنین جوی و شرایطی می‌توان باور کرد که انتخابات سالم و آزادی برگزار خواهد شد؟ خدا را خدا را که هوشیار باشید و آب به آسیاب دشمنان زیرک ملت و مملکت نریزید.

#### ج - انجمنهای اسلامی دانشجویان

برادران عزیز، ما از اینکه مراسم شما را عده‌ای غیرمسئول به تعطیل و آشوب کشانده و برخی از شما را به ضرب و شتم گرفته‌اند عمیقاً متأسفیم. اعتراضات شما به رفتار مهاجمان را نیز منطقی می‌دانیم ولی بدون آنکه قصد ملامت و فرصت‌طلبی برای انتقاد به شما را داشته باشیم فکر می‌کنیم با شما همان رفته است که خودتان نیز کم و بیش در محیط دانشگاه با گزندها و گزینشها و حذف و طرد دانشجویان و عزل

و نصب استادان و رؤسای دانشکده‌ها در سال‌های گذشته روا دانسته‌اید. اگر قرار بر تساهل و تسامح و تحمل عقیده مخالف نباشد منطقاً چه تفاوتی میان آن تولیتهای اعتقادی و سانسورهای فکری با این تضيیقات و تهاجمات وجود دارد؟

آیا این بانگ و فریادها تداعی‌کننده همان ضرب‌المثل «ببری مال مسلمان و چو مالت ببرند بانگ و فریاد بر آری که مسلمانی نیست» نمی‌باشد؟

چگونه می‌توان دانشجویان را سیاسی کرد ولی از بحث و گفت‌وگوی آزاد سیاسی جلوگیری نمود؟ دانشجویان دانشگاه‌های کشور، بخصوص بعد از انقلاب نظیر سایر اقشار جامعه ما ذاتاً سیاسی هستند و در برابر اوضاع و احوال کشور و رویدادهای آن قطعاً نظر دارند اما فقدان امنیت، در اشکال گوناگون آن اجازه نمی‌دهد به بحث و گفت‌وگوهای سیاسی و عقیدتی بنشینند. سکوت و بی‌تفاوتی ظاهری دانشجویان هم یقیناً نشانه ثبات سیاسی و امنیت اجتماعی نیست بلکه می‌تواند آتش زیر خاکستری باشد که آثار مخرب آن در درازمدت ظاهر شود.

امیدواریم که این حادثه تجربه و عبرتی برای آینده باشد و از این پس شرایطی فراهم کنیم که موجبات تحقق بشارت الهی برای مردمی که (به جای هیاو و داد و فریاد) سخن را می‌شنوند و از بهترینش تبعیت می‌کنند فراهم آید.<sup>۱</sup> همان مردمی که برای جلوگیری از پیدایش مستبد در جامعه اسلامی و با اجتناب از تعبد نسبت به طاغوت به خدا بازگشته و موجبات هدایت خود و جامعه را فراهم می‌سازند.

همانطور که بارها اعلام کرده‌اید، بکوشید تا واقعاً محیط باز و مناسبی برای بحثها و گفت‌وگوهای معنادار سیاسی با حضور و مشارکت سایر گروههای سیاسی فراهم آورید.

### د- هم میهنان عزیز

کسانی که دل خوشی از انجمنهای اسلامی دانشگاه با عملکرد شناخته شده آنها در سالیان گذشته ندارند، حادثه اخیر دانشگاه را دعوایی درون گروهی تلقی کرده و چنین می‌پندارند اظهار نظر و اعتراضشان نسبت به این حرکت حمایت از انجمنهای اسلامی، که به اعتقاد آنها خود در سطح دیگری به چنین افکار و عملکردی مشغول هستند، به شمار می‌رود. حتی بسیاری از دانشجویان از اینکه آتش این فتنه سرانجام دامن آنها را نیز گرفته است باطناً خوشحالند. اما به نظر می‌رسد همین بی‌تفاوتیها و سکوت‌های غیرمسئولانه کار را بدانجا کشانده است که در روز روشن آن هم در محیط آزاد دانشگاه حادثه ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲ به شکل دیگری تکرار شده است. اگر از آغاز تعصبات حزبی و گروهی و صف‌بندیها و خط‌کشیهای تنگ‌نظرانه را کنار می‌گذاشتیم و به جای پرداختن به عامل، به نفس عمل و اثر اخلاقی و اجتماعی آن اهمیت می‌دادیم این حوادث دامن تک تک شخصیتها و نهادهای اجتماعی را به نوبت نمی‌گرفت و این جهنم سوزان آهنگ «هل من مزید» سر نمی‌داد.

در اینجا نه انجمنهای اسلامی مطرح هستند و نه شخص دکتر سروش، مسئله از ابعاد شخصی و گروهی خارج شده و به عنوان سنتی زشت ابعاد گسترده اجتماعی پیدا کرده است.

شگفتا که جامعه شیعه ما ادعای پیروی از امامی می‌کند که در قضیه ربودن خلخال از پای زنی یهودی که در زمه مسلمانان بود فرمود: اگر مسلمانی این خبر را بشنود و از ننگ آن بمیرد نه تنها ملامتی بر او

۱. زمر ۱۷ و ۱۸- الذین یجتنبون الطاغوت ان یعبودها و انابوا الی الله لهم البشری فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه اولئک الذین هدیهم الله و اولئک هم المفلحون.

نیست که شایسته است از داغ این بی‌غیرتی در عدم دفاع از مظلومان بمیرد! و اینک با سکوت و بی‌تفاوتی خود در برابر این قانون‌شکنیها و متروک گذاشتن فرایض اجتماعی مشمول کلامی شده‌ایم که در مذمت جامعه بی‌تفاوتان فرمود: نه از حق عظیمی که عاطل مانده و نه از باطل عظیمی که انجام شده نگران می‌شوند.<sup>۱</sup>

عذاب و انقراض امتهای پیشین به دلیل بی‌تفاوتی آنان در قبال آفات و بیماریهای اخلاقی اجتماع بوده است، سکوت در برابر ظلم و ستم، رضایت دادن به آن محسوب می‌شود و رضایت دادن به عملکرد ظالمان همچون دست داشتن در آن ظلم است.<sup>۲</sup>

اگر برای خود تعهد و مسئولیت پاسداری از ارزشهایی را که انقلاب برای تحقق آنها به پا شده است قائل هستیم باید هر کس در هر مقامی با هر وسیله‌ای اعم از قلم و زبان و دست و دل با چنین انحرافات مقابل کند و مردم و مسئولین را از عواقب این تنگ‌نظریها و آشفته‌سازیه‌ها آگاه سازد.

اللهم اجعل عواقب امورنا خيراً

نهضت آزادی ایران

۱۳ آبان ماه ۱۳۷۴

---

۱. نهج البلاغه خطبه ۲۰۷ - فلا يستوحش لعظیم حق عطل، و لا لعظیم باطل فعل.

۲. نهج البلاغه حکمت ۱۴۶ - الراضی بفعل قوم کالداخل فیه معهم.